

# جهانگیری ترانه حافظ و سخن سعدی

حسین خدیو جم

## به شعر حافظ شیرازی میگویند و میرقصند سیه چشمان کشمیری ترکان سمرقندی

این رند خراباتی سخنان آراسته و از دل برخاسته نغمه و شیوا  
بر زبان آورده‌اند ، و برای نشان دادن سواقی دیرین همزبانی  
و همدلی با فارسی‌زبانان دیگر کشورها ، به نام حافظ جامها برآز  
می‌بخش بر سر دست بلند کرده‌اند . . .

چه میشود کرد ؟ باد گلرنگی که به روزگار حیات  
حافظ از جور زاهد و محتسب - گاهی آنچنان نایاب و گران  
می‌شده که شاعر دلسوخته ما از راه ناچاری زبان به نیایش  
می‌گشاید و به درگاه حق چنین شکوه می‌کند :

در مخیانه بیستند خدایا میسند

که در خانه ترو پروریا بکشایند

و زمانی دیگر این رند ره به حقیقت یافته را به گونه‌ای  
در تنگنا قرار می‌داده که برای پیالدهای می خام خرقة را جایی  
گرو بگذارد و دفتر را جای دیگر ، اینک برای ریزه‌خواران  
خوان گسترده او طوری زمینه‌های مساعد در هر شهر و دیار  
فراهم می‌شود که سالگرد او را بهانه سازند و با فراغت خاطر ،  
بهر ایگان گلویی ترکند و دعای تازه سازند ، آنگاه بی‌هول  
و هراس از آزار گرمه و عس ، فریاد نوشانوش از دل برکشند ،  
و با زبان حال شاعر محروم را در دنیای خیال دل‌داری دهند  
و بگویند : دلخوش دار ای قلندر آزاده که ما کمبودهای گذشته  
ترا در این روزگار فراوانی جبران خواهیم کرد ! . . .

اما کنگره جهانی سعدی و حافظ : طبق روایت‌های صحیح ،  
و اسناد مورد قبول اکثر محققان ، شیخ اجل سعدی در سال  
۶۹۱ ، و حافظ آسمانی سخن در سال ۷۹۱ هجری قمری دیده  
از جهان و جهانیان فرو بسته‌اند ، و با یکصد سال تقدیم و تأخیر ،  
هریک با دلی پر از آرزو بار سفر بر بسته و راه دیار خاموشان  
را در پیش گرفته‌اند .

اردیبهشت‌ماه امسال برای دوستداران شعر و ادب کهن  
پارسی بسیار پر برکت بود ، بازار شعر و نثر کهنسال دوی  
در ایران و خارج از ایران رونقی کم‌سابقه پیدا کرد . در دهه  
اول این‌ماه چند استاد پیشوا و پیشرو سخن فارسی ، رهسپار  
خراسان شدند و در آنجا برای دانشجویان علاقه‌مند دانشگاه  
شهد سخرانیهای ارزشمند ایراد کردند که به گفته صاحب نظران  
شرکت‌کننده ، با استقبال پر شور دانشجویان و سخن‌شناسان  
خراسان روبه‌رو شد .

از تاریخ هفتم تا دوازدهم همین‌ماه کنگره جهانی سعدی  
و حافظ ، در شهر زیبای شیراز ، باشکوه فراوان کار خود را  
آغاز کرد و با فرجامی خوش به نتیجه دلخواه رسید .

تردید نیست که در روزهای برگزاری این مراسم  
نمودارهایی از چگونگی آن به‌همت دستگاه‌های مختلف خبری  
سراسر کشور به اطلاع مردم فارسی‌دان و فارسی‌خوان رسیده  
است ، و هنوز هم گاه و بیگاه در برخی مجرای و محافل ادبی ،  
برخی از رویدادهای آن حکایت و روایت می‌شود .  
سخن ناگفته درباره آن بسیار است و باید منتظر بود .  
در اواخر این ماه مردم فارسی‌زبان و فارسی‌دان کشور  
اتحاد جماهیر شوروی ، در شهر دوشنبه پایتخت جمهوری  
تاجیکستان ، بزمی برپا کردند و ششم و پنجاهمین سالگرد  
میلاد تقریبی لسان‌الغیب خواجه شیراز را با خواندن مقالات  
ذوقی و تحقیقی جشن گرفتند . در این جشنواره تنی چند ایرانی ،  
که با مستی دعوت داشتند ، یا از طرف وزارت فرهنگ و هنر  
معرفی شده بودند ، شرکت کردند و سفیر حسنیت شدند .  
از گفته‌های برخی از حاضران در این جشنواره معلوم شد که  
در آن روزها گروهی از مردم تاجیک و غیر تاجیک به یاد

بنابراین با فرا رسیدن سال ۱۳۹۱ هجری قمری که با سال ۱۳۵۰ هجری شمسی برابر شده هفتصد سال است که استاد مسلم شعر و ترکه‌ن فارسی «شیخ اجل سعدی شیرازی» لب از سخن فرو بسته ، وششصد سال است که غزلسرای بزرگ خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی در دیار نیستی مهر خموشی بر لب زده است .

پیش از فرارسیدن این سال فرخنده گروهی از شیفتگان سخن این دو اختر درخشان آسمان شعر و ادب فارسی - از ایرانی و غیر ایرانی - کتبی و شفاهی به این سالگرد فرخنده اشاره کردند ، و آرزو نمودند که برای بزرگداشت آنها محفلی شایسته و وزمی آراسته برپا شود .

خوشبختانه دانشگاه بهلوی ، طبق فرمانی به موقع در این کارخیز پیشگام شد ، و شهر زیبای شیراز زادگاه این دو استاد ، برای برگزاری این مراسم انتخاب گردید ، و جمعی از شیرازیان صاحب‌دل برای شرکت کنندگان در این بزم میزبان شدند .

به هنگام برگزاری کنگره معلوم شد که بر اساس حساب و کتابی معین از گروهی که تعداد تقریبی آنان در حدود ده خارجی و بیست شهرستانی و پنجاه شیرازی و هفتاد نفر تهران‌زی ، برآورد شد ، دعوت کرده‌اند ، تا هم میهمانان در آسایش باشند و هم میزبان سر بلند بمانند .

اکثر دعوت شدگان عبارت بودند از نمایندگان مراکز علمی و دانشگاهی ، و تنی چند از ارباب جراید و مردمی که به نوعی در باره سعدی و حافظ سخنی گفته یا قلمی زده بودند .

در دعوتنامه‌ها ، به آیین همه کنگره‌ها ، از میهمان خواسته بودند که پیش از فرارسیدن تاریخ تشکیل کنگره مقالات تحقیقی خود را در هر موضوعی که می‌پسندند ، و با سخنان این دو سخنور پیوند می‌خورد ، تهیه و ارسال دارند . نتیجه آنکه حدود هفتاد موضوع متفاوت برای سخنرانی تمهید شده بود ، و گردانندگان کنگره آنها را برادرانه میان سعدی و حافظ قسمت کرده بودند تا در دیار نیستی بین آن دو بزرگوار رنجشی ایجاد نشود ، و رنج تبعیض یا جانبداری از یکی و محروم ساختن آن دیگری ، دامنگیرشان نگردد . البته برای آنکه این حساب تمام و کمال جور درآید ، تنی چند از محققان رخصت یافته بودند که هم در مجلس یادبود سعدی سخن بگویند و هم در بزم سالگرد حافظ در افشانی کنند ، تا در تالار مخصوص به هر یک از این دو استاد سی و پنج تن سخن گفته باشند ، و برای زنده و مرده جای شکوه و شکایتی باقی نماند . . . ضمناً بهترین فصل شیراز - یعنی از هفتم تا دوازدهم اردیبهشت ماه - برای برگزاری این مراسم تعیین شده بود تا لطافت هوای بهاری میهمانان را اندکی از عالم خاکی جدا سازد و به عالم ذوق و معنی نزدیکتر سازد ، به عبارت دیگر زمینه‌ای فراهم آید که فرشته صفا و یگانگی در میان جمع حکمران شود ، و احتمالاً

مقداری از بیماریهای فضل‌فروشی و حدیث‌نفس‌گفتن ، در جوار تربیت پاک این دو استاد وارسته درمان گردد .

با نزدیک شدن تاریخ برگزاری این جشنواره مرا نیز - مانند همه آشنایان با سخن این دو غنچه‌سرا - شوری در سر و شوقی در دل پدید آمد ، آرزو مند شدم که در این بزم تاریخی راه یابم تا اگر مجالی دست داد گلچینی از رویدادهای آن را برای اهل دل به یاری قلم بهارمغان آورم . یاران هنرشناس به موقع از این راز با خبر شدند و زمینه این سفر علمی را برایم فراهم ساختند که به عنوان سیاس باید گفت : الهی زنده باشید . اما چون آسایش و آرامش یا مزاج من سازگار نیست ، تسبیب و فرافز زندگی مجال نداد تا مانند دیگر کاروانیان بلند پروازی کنم ، و از راه هوا در شهر شیراز فرود آیم ، ضمناً از اولین مرحله این سفر تماشاگر رفتار و کردار زایران مزار حافظ و سعدی بوده باشم .

کوتاه سخن آنکه من چند ساعتی از کاروان واماندم و زمین گیر شدم و اهل هوا پیش افتادند ، زیرا ساعت هفت صبح روز دوشنبه اکثر میهمانان با هواپیما راهی شیراز شدند و پس از ساعتی پا در هوایی (به روایت دکتر محمود عنایت) شاد و سلامت به مقصد رسیدند ، و ادبیات معاصر از گردن حوادث مصون ماند که جای شکر آن باقی است . من هم پس از رفتن گروه پیش‌آهنگ بر تلاش خود افزودم تا آنکه نابسامانیهای زندگی خود را اندکی سروسامان دادم ، و ساعت دو و نیم بعد از ظهر همین روز با شتاب از راه زمین ، و با صرف دسترنج خویش ، راه زیارتگاه رندان جهان را در پیش گرفتم .

پس از پاترده ساعت زمین‌بیمائی و محروم ماندن از خواب و آرام ، و تحمل لرزش دائمی مرکوب ، ساعت پنج و نیم صبح سه‌شنبه هفتم اردیبهشت برخاک پاک شیراز قدم نهادم ، و پیرسان پیرسان در محل مهمانسرای شیراز به جمع یاران پیوستم .

شوق زیارت شیراز و ذوق دیدار یاران مهربان و اهل ، رنج ماندگی راه و بیداری درازمدت سفر را از تن بدر کرد . نشاط کافی پیدا شد و با سمت مجلس‌نویسی یا واقع‌نگاری کار خود را آغاز کردم . از اولین مرحله کوشیدم تا آنجا که ممکن شود ، جلوه‌هایی از واقعیت‌های جلسات کنگره را که شامل رفتار و کردار و گفتار دانشوران شرکت‌کننده بود و - منهای مطالب مقالاتشان - می‌توانست نمایشگر طرز فکر عده‌ای اساتید و ادیبان بوده باشد و در حال حجیت داشته باشد ، بر صفحات دفتر خود ترسیم کنم تا به عنوان کارنامه این بزم و جمع به یادگار بماند .

با ابراز تأسف باید اعتراف کنم که چون جلسات این کنگره در دو محل جدا از هم تشکیل می‌شد ، از نگارش نیمی از افادات یاران می‌نسیب شدم ، ولی با اینهمه تردید ندارم که همین نیمه قلمی‌شده - به عنوان مشت نمونه خروار - می‌تواند خوانندگان



برای کتابخانه علمی ایران تهیه کنم و همراه بیاورم ، این بحث را به پایان می‌برم . . . .

ساعت ده صبح سه‌شنبه هفتم اردیبهشت ماه جاری اعضای کنگره در تالار بزرگ دانشگاه شیراز گرد آمدند . با پخش نواز سرود ملی و آهنگ مخصوص دانشگاه پهلوی ، جلسه رسمیت پیدا کرد و این کنگره جهانی کار خود را آغاز کرد . ابتدا پیام ریاست عالی و بانی این کار خیر روایت شد . آنگاه رئیس دانشگاه پهلوی در مقام میزبان به جمع حاضر خوش آمدگفت و از حضور اساتید شعر و ادب اظهار خوشنودی نمود ، پس از او دو استاد شیرازی ، مژده و خوننظر ، شش تن از نمایندگان دانشگاههای سراسر کشور از طرف مراکز علمی به نیابت سخن گفتند و برای کنگره فرجام خوش آرزو کردند . اسفهانیا ذوقی به خرج داده بودند و برای ابلاغ پیام دانشگاه اسفهان نماینده‌ای از گروه آزاد زنان دانشور برگزیده

را از چگونگی برخورد افراد شرکت کننده در جلسات این کنگره آگاه سازد . . . .

چون صفحات مجله هنر و مردم محدود است ، و سلسله مقالات « در جستجوی میراث مشترک . . . » هم نباید گسیخته شود ، ناگزیریم که خواننده این مقاله مختصر را - بشوای زنده بودن - به رساله‌ای مفصل و خواندنی نوید دهیم . . . . حالا در کجا و کی بچاپ خواهد رسید ؟ خدا دانا است . . .

\*\*\*

اینک فهرست وار به نگارش برخی از رویدادهای جلسه افتتاحیه این کنگره تاریخی و سایر جلسات بحث و تحقیق آن می‌پردازم ، آنگاه با معرفی یک نسخه خطی مصور رنگی از ذیوان حافظ که در کتابخانه ملی تونس نگهداری می‌شود ، و در سفر سال گذشته توانستم میکروفیلم ساده و رنگی آنرا

بودند. این پیام آور صورتی زیبا و دهانی گرم و صدائی دلنشین و مایه‌ای به اندازه داشت. البته دیگر راویان آزاد مرد هم از جمال و کمال مردانه بهره کافی داشتند، در نتیجه با کم گوئی و گریه گویی هم حاضران در محفل را بی اختیار به ستایش واداشتند و هم روان سعدی و حافظ را به سبب رعایت حد و نگهداشتن اندازه از خود شادمان ساختند.

پس از آنکه پیام و سلام همه نمایندگان دهگانه ابلاغ شد، برای انتخاب رئیس دست بکار شدند، به پیشنهاد رئیس دانشگاه پهلوی و تأیید اکثریت با علامت کف زدن رئیسی خوشنام و هوشیار برای کنگره انتخاب کردند که او هم پس از سپاس از حسن ظن حاضران ختم اولین جلسه را اعلام کرد، ولی به هنگام تشکیل جلسات بحث و انتقاد، چون خود اهل سخن بود، رسم ادب بجای آورد و میهمانان خارجی را به نیابت برگزید، و خود مستمع بودن را بر ریاست مداری - در این اجتماع علمی - ترجیح داد. پسینگاه این روز بر اساس برنامه تنظیم شده قرار شد میهمانان پس از طهارت و تقوی ظاهری، و آراستن سر و بدن، در شمار زائران مزار سعدی و حافظ درآیند، و در صورت امکان دل از همه آلودگیها بپیرایند. اهل صفا خود را به کنار این دوترت پاک رسانیدند و با اشتیاق به قصیده و غزلی که به عنوان زیارتنامه خوانده شد گوش فرا دادند، و در مراسم نثار تاج گل بر مزار این دو بزرگوار شریک شدند.

سپس به محل نارنجستان - که جلسات بعدی کنگره در آنجا تشکیل شد - بازگشتند و در مراسم افتتاح نمایشگاه مجموعه آثار خوشنویسان که به همت دکتر نورانی وصال گردآوری شده است، شرکت کردند. در اینجا اهل ذوق برای مدتی کوتاه از حظ بمر بهره ور شدند و ساعتی در پیچ و خم آفریده های کلک و بنان هنرمندان ایرانی، خوشتن خویش را از یاد بردند، و به هنگام تماشا نویسنده و نگهدارنده را دعا کردند.

شب فرارسید، در بزم مردم شیراز که به همت شهردار برپا شده بود شرکت کردیم، شادی روز نخصت این چنین تکمیل شد، و اندوه نامردمیهای زندگی در این بزم و دیگر بزهای عمومی و خصوصی شیرازیان کاهش یافت.

از صبح چهارشنبه هشتم اردیبهشت ماه کار خواندن مقالات ذوقی و تحقیقی، در دو تالار جداگانه که به نام سعدی و حافظ نامگذاری شده بود، آغاز شد. پوشیده نماند که این جلسات بحث و انتقاد، که گاهی حالت جدال و تصفیه حسابهای خصوصی بخود می گرفت، صبح و عصر ادامه پیدا کرد تا آنکه ظهر روز یکشنبه دوازدهم اردیبهشت پایان پذیرفت.

در مجموع سخنرانیها که عنوان همه آنها را در پایان این مقال خواهم آورد، چندین نسخه خطی تازه پیدا شده

قدیمی از دیوان حافظ معرفی شده موافق و مخالف بسیار پیدا کرد. در مورد اصیل بودن نسخه هایی که چند سالی پس از درگذشت حافظ کتابت شده بود و تاریخ کتابت داشت تاحدی یاران اهل فن گردن نهادند و تأیید کردند، اما در این میان نسخه های پیدا شده که سالها پیش از پایان زندگی خواجه کتابت شده بود، و این موضوع برای محققان شکفت می نمود، زیرا رأی جمهور بر این است که دیوان موجود خواجه، بر اساس مقدمه ای که بر آن نوشته شده، چند سالی پس از مرگ حافظ گردآوری شده است، پس چگونه ممکن است این نسخه مورخ را اصیل دانست. به هر حال صاحب نسخه هم دلائلی داشت که چون خود او سالیان دراز در کار قضاوت و تحقیق عمری سپری کرده است نمی شود همه دعویهایش نادرست شمرد.

### اما جهانگیر شدن ترانه حافظ

گفتم: در سفر افریقای امسال نسخه ای خطی از دیوان حافظ در کتابخانه ملی تونس دیدم که دارای تصاویر رنگی بود و در حد خود کهن می نمود. این نسخه را برای کتابخانه ملی ایران عکس گرفتم و از تصویرهای رنگین آن نیز جداگانه با فیلم رنگی عکس برداری کردم که چند نمونه از تصاویر آن همراه این مقال منتشر می شود تا معلوم شود که قلمرو سخن حافظ تنها به کشمیر و سمرقند ختم نمی شود، بلکه فهرستهای کتابخانه های سراسر گیتی گواه است که هر پنج قاره جهان را خواجه شیراز با سخن دلنشین خود فتح کرده است.



اما موضوعهایی که در کنگره شیراز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت:

### تالار حافظ

- ۱ - حافظ و جمال پرستی.
- ۲ - مقایسه بین شعر سعدی و حافظ.
- ۳ - مقام بوی در نزد حافظ.
- ۴ - متون قرن هشتم و تصحیح حافظ.
- ۵ - حافظ چندین هنر.
- ۶ - نوشاروی حافظ.
- ۷ - شپنگلو و انتقاد ادبی در خاور میانه.
- ۸ - چند اثر کهن حافظ در افغانستان.
- ۹ - راجع به حافظ.
- ۱۰ - شراب در حافظ.
- ۱۱ - تجلی و وحدت وجود عرفان.
- ۱۲ - طبیعت در شعر حافظ.
- ۱۳ - شیخ صفی اردبیلی و سعدی و حافظ.

نادر آن .

- ۱۴- مضامین اشعار حافظ .  
 ۱۵- ارتباط فکر حافظ با مولوی .  
 ۱۶- ایهام و تناسب در خاقانی و حافظ .  
 ۱۷- نظام ابیات در شعر حافظ .  
 ۱۸- دنیای بی حافظ .  
 ۱۹- نقد اخلاقی اشعار حافظ .  
 ۲۰- مبارزه حافظ با ریاکاری .  
 ۲۱- لفظ و معنی در شعر حافظ .  
 ۲۲- قلمرو زبان حافظ .  
 ۲۳- شرح دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند . . .  
 ۲۴- پژوهش در زمینه آشنائی با تفکر حافظ با توجه به پدیدارشناسی در روش زندآگاهی (هرمنوتیک) معاصر .  
 ۲۵- مسئله توالی ابیات در اشعار حافظ .  
 ۲۶- روابط حافظ و شاه ولی .  
 ۲۷- تشبیه و استعاره و مجاز در حافظ .  
 ۲۸- زندگی و شعر حافظ .  
 ۲۹- مقدمه محمد گلندام بر حافظ .  
 ۳۰- شیوه خاص حافظ .  
 ۳۱- جبر و اختیار در حافظ .  
 ۳۲- ماجرای زندگی منصور مظفری ممدوح حافظ .  
 ۳۳- افکار و عرفان حافظ .  
 ۳۴- شرح حال حافظ .  
 ۳۵- جهان بینی تحلیلی سعدی و جهان بینی ترکیبی حافظ .
- ۸- سبک نثر گلستان .  
 ۹- تصوف از نظر سعدی .  
 ۱۰- حل چند بیت دشوار سعدی و حافظ .  
 ۱۱- اشارات و مصطلحات صوفیانه در اشعار سعدی .  
 ۱۲- تأثیر قرآن و حدیث در گلستان .  
 ۱۳- چند بیت مشکل در سعدی و حافظ .  
 ۱۴- حکمت عملی از نظر سعدی .  
 ۱۵- لفظ و معنی در نظر سعدی .  
 ۱۶- سعدی و حافظ .  
 ۱۷- نظر سعدی نسبت به مسائل فلسفی .  
 ۱۸- بشر دوستی سعدی .  
 ۱۹- نثر آثار سعدی در روسیه شوروی .  
 ۲۰- تأثرات همام از سعدی .  
 ۲۱- گلستان سعدی از نظر التاریوس .  
 ۲۲- زیان شیراز در زمان سعدی و حافظ .  
 ۲۳- اشخاص داستان در گلستان .  
 ۲۴- سعدی و تراری قهستانی و مسافرت سعدی به قهستان .  
 ۲۵- زبان سعدی .  
 ۲۶- سعدی و قضا و قدر .  
 ۲۷- تجلی عرفان در غزلیات سعدی .  
 ۲۸- سرگردانی سعدی در بیابان قدس .  
 ۲۹- عرفان سعدی .  
 ۳۰- الفت سعدی با مگس .  
 ۳۱- نقش تازی در سعدی .  
 ۳۲- جغرافیای کلیات سعدی .  
 ۳۳- سوگند در اشعار مثنوی سعدی .  
 ۳۴- جمال بینی سعدی .  
 ۳۵- دنیای مطلوب سعدی در بوستان \*

در تالار سعدی

- ۱- اطلاعات دینی سعدی و حافظ و ادبیات مزدینسی .  
 ۲- کتابشناسی سعدی و حافظ .  
 ۳- نظر سیاحان اروپائی درباره سعدی .  
 ۴- جامعیت استثنائی سعدی .  
 ۵- ابتکارات سعدی در الفاظ و معانی .  
 ۶- مقایسه حالات سعدی و حافظ .  
 ۷- مشکلات گلستان و بیان برخی قواعد دستوری

\* البته چندتن از صاحبان این مقالات ، به علمی نتوانستند برای آراهای نوشته خود به شیراز بیایند ، و نوبت آنان به دیگران اختصاص یافت .